۱۲۰هکتار از مراتع استان در آتش بی‌احتیاطی سوخت

طبیعت بزرگ‌ترین قربانی تابستان داغ است. حالا اگر غفلت‌ها را هم به گرما اضافه کنیم، می‌توان طبیعت را مظلوم‌ترین قربانی این غفلت‌ها هم دانست. غفلت یا خطاهایی نظیر رها کردن ته‌سیگارهای روشن، خاموش نکردن آتش‌های کوچک روشن شده از سوی گردشگران، خطای کشاورزان در روشن کردن آتش درون زمین‌های بدون استفاده و... غفلت‌های کوچکی که نتایج زیانباری در پی دارد و تنها در خراسان‌رضوی از ابتدای امسال تاکنون ۱۲۰ هکتار از زمین‌ها و مناطق تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست طعمه حریق شده‌اند. موضوع آتش‌افروزی در طبیعت، یکی از موضوعات اساسی این روزهاست که نمود اصلی آن در جنگل‌ها و بیشه‌های سرسبز است. اما خراسان‌رضوی نیز از این موضوع در امان نبوده است و به گفته فرمانده یگان حفاظت محیط زیست خراسان‌رضوی، در سال جاری ۱۴ فقره آتش‌سوزی شامل ۱۲ فقره در مناطق چهارگانه تحت مدیریت و ۲ فقره در حاشیه مناطق تحت حفاظت رخ داده است. طبق آنچه ابوالفضل شعبانی به ایرنا گفته است، این آتش‌سوزی‌ها با حضور تیم‌های عملیات واکنش سریع در کمترین زمان ممکن و طی کمتر از ۵ساعت با کمک نیروهای اداره کل منابع طبیعی، هلال احمر و افراد بومی و محلی مهار شده است. بیشترین آتش‌سوزی‌ها نیز در شهرستان‌های درگز، قوچان، تربت‌جام و نیشابور روی داده و در هر یک از شهرستان‌های کلات، سرخس و طرقبه شاندیز نیز یک فقره حریق در مناطق تحت حفاظت این یگان ثبت شده است. براساس آمارهای موجود درباره دلایل آتش‌سوزی‌ها، بیشترین علت خطای انسانی بوده که به دلیل بی‌توجهی و سهل‌انگاری گردشگران و اغلب در روزهای تعطیل و جمعه رخ داده است که رها کردن ته‌سیگار، افروختن آتش در عرصه‌ها، رهاسازی شیشه شکسته، ظروف فلزی و... از جمله این غفلت‌هاست. هر چند در این حوادث گزارشی از تلفات گونه‌های جانوری گزارش نشده است اما بالغ بر ۲۰ اصله درخت ارس و ۲۵۰ درختچه مرتعی در آتش سوخته‌اند. درخت‌هایی که احیای آن‌ها حدود چند ده سال طول خواهد کشید.

قتل کودک ۵ ساله به دست نامادری

سرهنگ آمویی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه از دستگیری نامادری جوانی خبر داد که «ژیار» کودک پنج ساله همسرش را در شهرستان جوانرود قربانی حسادت و کینه‌توزی خود کرد. نامادری قاتل در اعترافات خود بیان کرد که حدود یک سال پیش با پدر ژیار ازدواج و این کودک تا چندی پیش نزد پدربزرگ و مادربزرگش زندگی می‌کرده و به تازگی نزد آن‌ها آمده بود. او که این کودک را مانعی برای تداوم محبت‌های همسرش می‌دیده است، پس از بردن ژیار به باغی و گرفتن دهانش، او را بی‌حال کرده و با بریدن رگ‌های هر دو دستش کودک را در باغ رها می‌کند. زن جوان بعد از چند ساعت به باغ برمی‌گردد که با جسد کودک روبه‌رو می‌شود و برای صحنه‌سازی، او را از یک بلندی به پایین پرتاب می‌کند تا مرگش را طبیعی جلوه دهد.

شهرآرا
روزنامه شهروند
SHAHRARANEWS.IR
۲شنبه
۲۳ تیر ۱۳۹۹
۲۱ذی‌القعده ۱۴۴۱
شماره ۳۱۵۰
۱۲

حوادث

سرقت خانوادگی با مواد بیهوشی

پلیس مشهد با دستگیری ۳ مرد و ۲ زن راز سرقت‌های آن‌ها را برملا کرد

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

نیمه‌شب بود که سارقان پرایدش را بردند و میان ناکجاآباد رهایش کردند. به هر ضرب و زوری بود خودش را به آبادی رساند و بعد هم به کلانتری کاظم‌آباد رفت. سرش هنوز گیج می‌شد و برای اینکه هنگام راه رفتن زمین نخورد دستش را به دیوار می‌گرفت. در حالی که نفس نفس می‌زد به افسر تجسس پلیس گفت: «بیهوشم کردند و پرایدم را بردند»

مرد جوان پس از مکثی کوتاه حرفش را ادامه داد: «دقیق یادم نیست کجا سوارشان کردم اما در خاطرم مانده است که ۳نفر بودند. ۲مرد و یک زن. یکی از مردها که ظاهری جاافتاده داشت جلونشست و زن و مرد جوان هم عقب نشستند. می‌خواستند آن‌ها را به انتهای بولوار توس ببرم. البته کرایه خوبی هم پیشنهاد کردند. به مسیر مورد نظر آن‌ها نرسیده بودم که مرد جلویی از من خواست تا وارد یک مسیر بیراهه شوم. یک لحظه شک کردم اما همان لحظه با خودم گفتم چطور ممکن است این خانواده دست به خبط و خطایی بزنند. ماشین هنوز متوقف نشده بود که یکی از آن‌ها مقابل بینی و دهانم را با پارچه گرفت. دنیا جلوی نظرم تیره و تار شد و برای یک لحظه احساس سبکی کردم و دیگر نفهمیدم چه اتفاقی برایم افتاد. بدنم درد می‌کرد و حالت تهوع داشتم. تا چشم باز کردم خودم را در بیابانی دیدم که تعدادی چراغ از دور دست سوسو می‌زدند. به سختی خودم را به یک آبادی رساندم و بعد هم به کلانتری آمدم.»

دستگیری مجرمان فراری با شلیک هوایی

با گشوده شدن این پرونده تحقیقات تیم دایره تجسس کلانتری کاظم‌آباد آغاز شد و مأموران با استفاده از مشاهدات مال‌باخته چهره فرضی متهمان را که ۲ مرد و یک زن بودند ترسیم و در اختیار گشتی‌های پلیس قرار دادند.

پیگیری‌های این پرونده از سوی سرکلانتری غرب مشهد ادامه داشت تا اینکه سرنخی از یکی از متهمان به دست آمد و منجر به ردزنی او در بولوار توس شد. مجریان قانون به محض دستیابی به این اطلاعات فاز اجرایی مأموریت خود را عملی کردند و مخفیگاه این مجرم خطرناک را تحت نظر گرفتند. رصد میدانی مأموران در محل ادامه داشت تا اینکه متهم شناسایی شده رویت شد. ضابطان قضایی که بیم فرار این سارق را داشتند برای دستگیری او وارد عمل شدند که این فرد به همراه همدستش از محل گریختند. در این میان مجریان قانون با استفاده از قانون به‌کارگیری سلاح و برای متوقف کردن ۲متهم فراری دست به اسلحه برده و چند تیر هوایی شلیک کردند.

کار از کار گذشته بود و اگر سارقان دست از فرار بر نمی‌داشتند قطعا هدف شلیک‌های بعدی پلیس قرار می‌گرفتند از همین رو به ناچار خود را تسلیم کردند و در برابر قانون به زانو درآمدند. در ادامه این مأموریت ضربتی همدست دیگر متهمان که زنی جوان بود دستگیر و به کلانتری منتقل شد.

فریب رانندگان با کرایه بالا

روز گذشته فرمانده انتظامی مشهد در تشریح دیگر ابعاد این پرونده سرقت گفت: متهمان ۲ مرد سی‌وچهار و چهل‌ویک و زنی بیست‌وهفت ساله هستند که پس از انتقال به کلانتری ابتدا حاضر به همکاری با پلیس نبودند و اتهام وارده را رد کردند اما در رویارویی با راننده پرایدی که او را بیهوش و خودرواش را سرقت کرده بودند به ناچار لب به بیان حقیقت گشودند و به جرم خود اعتراف کردند.

سرهنگ عباس صارمی ساداتی با اشاره به شگرد متهمان در سرقت خودروی پراید، بیان کرد: متهمان خود را در قالب یک خانواده جا زدند و به بهانه رفتن به مناطق حاشیه شهر خودروهای مسافربر شخصی را به صورت دربستی و با مبالغ فریبنده کرایه کردند. متهمان پس از کشاندن راننده فریب خورده به حاشیه شهر او را بیهوش کرده و خودرواش را به سرقت برده‌اند.

این مقام ارشد نظامی مشهد ادامه داد: با توجه به اینکه احتمال افزایش سرقت‌های این گروه سه نفره متصور است اما هنوز این افراد درباره تعداد سرقت‌های خود با شگرد بیهوشی رانندگان، اعترافی نداشته‌اند. با این حال ۳ متهم به دام افتاده پس از تشکیل پرونده اولیه برای ادامه مراحل قضایی در اختیار دادسرا قرار گرفتند.

دستگیری زن و شوهر سارق

رئیس پلیس مشهد در ادامه به دستگیری یک زن و شوهر سارق دیگر از سوی مأموران کلانتری کاظم‌آباد اشاره کرد و گفت: دستگیری متهمان این پرونده زمانی در دستور کار پلیس قرار گرفت که گزارش‌هایی مبنی بر سرقت‌های سریالی موتور سیکلت از چندی قبل به دست دایره تجسس کلانتری کاظم‌آباد رسید. بررسی‌های ابتدایی این پرونده نشان از دست داشتن زن و مردی جوان داشت که این افراد در اقدامی اطلاعاتی و با همکاری منابع مخبر پلیس در یکی از خیابان‌های منطقه توس شناسایی شدند.

به گفته صارمی زمانی که مأموران برای دستگیری ۲ متهم این پرونده به سراغ آن‌ها می‌روند، یکی از آن‌ها با اطلاع از حضور پلیس تصمیم به فرار از پشت‌بام می‌گیرد که حلقه محاصره مجریان قانون او را همانند دیگر همدستش گرفتار و زمین‌گیر می‌کند. ۲متهم این پرونده نیز پس از تکمیل تحقیقات اولیه برای ادامه پیگیری‌ها و کشف دیگر جرائم احتمالی در اختیار مقام قضایی قرار گرفتند.

عکس تزئینی است

اخبار جهان

مرگ ۷ کارگر در ریزش معدن طلا

نیجریه| آناتولی| یک معدن غیرقانونی طلا در منطقه ماکوردی ایالت بنوئه در جنوب کشور نیجریه دچار ریزش شد. در این حادثه تعدادی از معدنچیان در این معدن غیرمجاز در حال استخراج طلا بودند که گرفتار شدند. کاترین آنه، سخن‌گوی پلیس ایالت بنوئه اعلام کرده است که اجساد ۷ نفر که در حین حفاری بر اثر ریزش معدن زیر آوار مانده بودند را بیرون آورده‌اند. گفته می‌شود حدود ۱۰ هزار معدنچی در معادن غیرقانونی و بدون مجوز در نیجریه کار می‌کنند. انجام فعالیت‌های غیرقانونی در معادن نیجریه، هم به طبیعت این کشور آسیب می‌رساند و هم باعث ریزش و کشته شدن کارگران می‌شود.

کشته شدن ۲ پلیس در تیراندازی

آمریکا| فارس| ۲ افسر پلیس در شهر مک‌آلن در ایالت تگزاس آمریکا، شنبه‌شب در تعقیب یک مظنون بیست‌وسه ساله سابقه‌دار بودند که در این عملیات برخلاف دیگر پرونده‌های پلیس، مظنون اقدام به تیراندازی به سوی پلیس کرد. در این تیراندازی ۲ افسر پلیس مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و کشته شدند. عامل مسلح این حمله بعد از کشتن مأموران با گلوله خودکشی کرد. جزئیات بیشتری از این حادثه تاکنون منتشر نشده است. شهردار مک‌آلن در توییتر اعلام کرد که این مأموران برای بررسی موضوعی به یک واحد مسکونی اعزام شده بودند که مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و کشته شدند.

چین درگیر با سیل مرگ‌بار

چین| تسنیم| به دلیل بارندگی شدید، سطح آب در بالادست رودخانه‌ها در بسیاری از استان‌های جنوبی چین به شدت افزایش یافته و وضعیت جلوگیری و مهار سیلاب فوریت بسیار زیادی به خود گرفته است. روز شنبه، ۴ ایستگاه آبخیزداری بالاترین حد نصاب سطح آب را در این مناطق از سال ۱۹۹۸ به این سو اعلام کردند. جاری شدن سیل باعث شد ۵میلیون و ۲۱۰هزار نفر خسارت ببینند و بیش از ۴۳۰هزار نفر به جای امن منتقل شوند، تاکنون ۲۳نفر جان خود را از دست داده‌اند.

معمای پلیسی

قتل پسر ۱۷ ساله

موسایی | در یک خانه دوبلکس، قتلی اتفاق افتاده است. فرزند کوچک خانواده به نام سعید که هفده‌ساله بود حدود ساعت ۹ صبح در اتاق خودش و هنگامی که در خواب بود به قتل رسید. قاتل با ضربات چاقو او را کشته و حالا تمام اهالی خانه مظنون به قتل هستند.

پدر خانواده (مردی شصت‌ساله که مدام سرفه می‌کرد): من آن ساعت توی اتاقم که کنار اتاق سعید است مشغول مطالعه بودم و با شنیدن صدای جیغ همسرم، کتاب را روی میز چپه گذاشتم و بیرون رفتم. من این پسرم را بیشتر از همه دوست داشتم و قرار بود زمین‌های طرقبه را به اسمش ثبت کنم تا خواهر و برادرش فردا مدعی نشوند. حتما کار خودشان است.

مادر خانواده (به‌سختی جلو گریه‌اش را گرفته بود): من داشتم صبحانه را آماده می‌کردم. بعد آمدم سعید را بیدار کنم که به کلاسش برسد و دیدم اتاق پر از خون است. قسم می‌خورم کار پدرش است. این اواخر خیلی با هم سروسر داشتند. خبر رسیده که سعید از ماجرای زن دوم پدرش خبردار شده بود و برای همین پدرش دنبال این بود که با حق السکوت و تهدید سعیدم را ساکت کند. آخرش هم کار خودش را کرد.

برادر بزرگ: اتاق سعید طبقه بالاست و اتاق من پایین. آن ساعت توی اتاقم با هندزفری موسیقی گوش می‌دادم. برای همین هیچ صدایی نشنیدم. خواهرم سراسیمه در اتاقم را باز کرد و من موسیقی را قطع کردم. به من خبر داد چه اتفاقی افتاده.

خواهر بزرگ: من اتاقم طبقه پایین است. آن ساعت داشتم با نرم‌افزار ورزش شکم کار می‌کردم. که صدای جیغ مادرم را شنیدم. ورزشم را نیمه کاره قطع کردم و دویدم بیرون.

کارآگاه هر مز بعد از شنیدن این حرف‌ها خانه را وارسی کرد و از هرکدام سؤالی پرسید. بعد خواهر بزرگ را به اتهام قتل دستگیر کرد.

چطور قاتل پیدا شد؟

طرح: رضا چنگی

لطفا پاسخ خود را به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک کنید.

پاسخ معمای بیست‌ویکم تیر «تصادف نیسان و پراید»: از نظر قانونی نیسان مقصر است. چون از فرعی وارد مسیر اصلی شده و با توقفش موجب تصادف شده. بهتر بود بعد از عبور پراید وارد خیابان شود... اما کاش در این مواقع هوای همدیگر را داشته باشیم.

جدول شماره: ۲۹۷۲

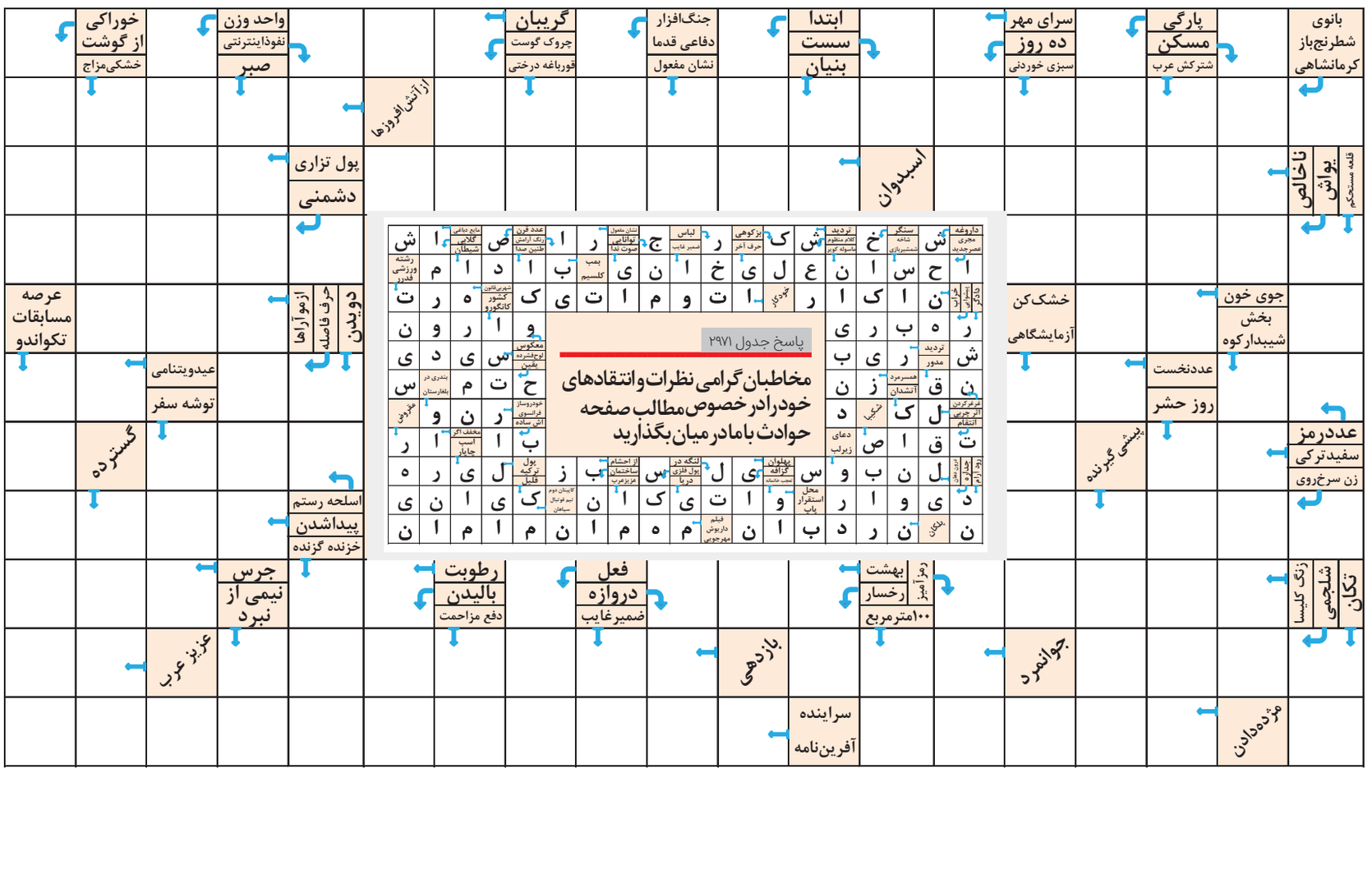

طراح: محمدرضا علیزاده

داستان جنایی

بوی خاکستر سرد

(قسمت دوم)

ایلیا موسایی

شما بگو یک ظن و حدسی چیزی... اصلا. حتی من که دخترم بو نبردم این مرضیه عفریته شوهر دارد. سعیدِ صاف‌وساده که بماند. نهایتا یک خیالاتی کردم که شاید طلاق گرفته باشد. هر چه بود خوب نقش خودش را بازی کرد. عین دخترهای شنگول و سرخوش دوزک بزک می‌کرد و حتمی یا حلقه نداشت یا اگر هم داشت یک جایی گم‌وگورش می‌کرد که کسی بو نبرد. والا مردم خوب زرنگ شده‌اند. بعضی‌ها خوب دوتا دوتا و چندتا چندتا برگ می‌زنند. همین‌طوری شد که پسرِ ساده، خام شد و افتاد توی دام این عنکبوت. اگر وسط‌های این خبط‌وخطاها، دست می‌کشید و توبه می‌کرد یا اقلا یک‌بار مثل آن موقع‌ها می‌گفت: «برسونمت سمانه» حاضر بودم همه گندکاری‌ها را ندیده بگیرم. ولی با این اوضاعی که راه افتاد هفتادسال سیاه.

آن اول‌ها همه‌چیزشان خوب بود. می‌دیدم چطور سعید پشت سردوز می‌نشیند و برای خودش سوت می‌زند و موقع دوختن آواز می‌خواند. بعد حسابی میانه‌شان فلفل نمکی شد و خدا می‌داند چه پیش آمده بود. نمی‌دانم آن موقع وقتی بود که سعید فهمیده بود زنیکه شوهر دارد؟ یا قضیه همانی بود که بعدا سعید تعریف کرد؟ شاید هم سعید از همان اول بو برده بود ولی دیگر به دهنش مزه کرده بود. خدایا توبه.

خود سعید می‌گفت قضیه سر پول بوده. می‌گفت حقوقش را درست‌وحسابی نمی‌دهد. به ما که می‌داد. خوب هم سرموقع و بی‌کم‌وکسری می‌داد. مرضیه هر چقدر بدعنق و افاده‌ای بود در عوض حساب کتابش مدیونی نداشت. غلط نکنم این سَروسِری که با هم داشتند بیخ پیدا کرده بود. شاید سعید از مرضیه خانم می‌کَند تا به آن نامزد قبلی خودش هندجگرخوار چیزی بدهد. چون دیده بودم چندباری دم کارگاه پیدایش می‌شد و سعید می‌رفت دم‌دروآرام وزیرزیرکی باهاش حرف می‌زد. فکر کنم ول کنش نبود و با خودش گفته بود حالا که ول کرده و رفته با ناکسان پریده، کمی هم پسر مردم را تلکه کند. به گمانم سعید داشت از مرضیه بلاگرفته می‌کَند و می‌داد به هندجگرخوار... ولی نه! این حرف‌ها کشک است. از همین حرف‌هایی است که چرخ کارها و بردست‌ها راه انداخته‌اند. چون چشم‌دیدن ندارند. حسد کورشان کرده.

آن روز دعواشان دیگر طوری شد که اِیاو حیایی نداشتند ما بشنویم. توی اتاق بُرش صداشان را انداخته بودند توی سرشان و هوار می‌زدند. فکر کنم سعید حسابی بُراق شده بود از جریان شوهر مرضیه. مدام هوار می‌زد: «گولم زدی... از کجا معلوم از من باشه؟» مرضیه هم هی حرف پول را می‌زد و می‌گفت که خود سعید هم از اول فهمیده و خر نبوده. به خاطر پول ادامه داده و حالا دارد کاسه کوزه‌ها را سرش می‌شکند. حرف آزمایش هم بود. الان یک چیزی دلم را نیش می‌زند که نکند جریان بچه‌ای درکار بوده. خدایا به دور. آدم با بچه توی شکم خودش را بسوزاند... این خیالات خوبیت ندارد. همان اول صبح که مأمورها ریخته بودند، بردست‌ها و چرخ‌کارها قاتی مردم محله ایستاده بودند به تماشا و مدام همچو چیزهایی بلغور می‌کردند.

ولی مرضیه چرا نصفه شب آمده بود اینجا؟ که این‌طوری آتش به‌پا کند؟

حالا حرف راه انداخته‌اند که سعید ازش فیلم گرفته... مرضیه چطور گذاشته بود فیلم بگیرد؟ با آن کثافت‌کاری‌های توی کارگاه و شوهری که قایم کرده بود از همه.

ادامه دارد...

سردار حمید هداوند، جانشین رئیس پلیس پایتخت: در پرونده انفجار و حریق در کلینیک سینا هیچ‌گونه مسئله امنیتی یا اقدام خرابکارانه وجود نداشته و قصور و کوتاهی دلیل بروز این حادثه بوده است. تاکنون ۱۲نفر در این پرونده دستگیر که ۱۱نفر با قید وثیقه آزاد شده‌اند.